



تیرنگ | Tirang

مجری تبلیغات محیطی و مجازی

گرگان: خیابان امام خمینی (ره)
آفتاب ۲۴، نبش دارویی دوم

☎ ۰۱۷۳۲۲۰۴۶۷۹ | @ Tirang.Studio | 📠 ۰۹۱۱۲۶۸۲۳۵۷
📧 ۰۹۳۶۹۵۹۶۲۰۳ | M tirang.advertising@gmail.com

مطالبه گر حقوق
کشاورزان هستیم



۲

آغاز دیوار کشی زمین های خالی
و ملک های رها شده



۲

سه روستای گلستان به
شبکه ملی اطلاعات متصل شدند



۳

گلشانه

روزنامه

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

دوشنبه ۸ خرداد ماه ۱۴۰۲ / سال بیست و چهارم / شماره ۲۵۸۱ / صفحه ۸ / ۲۵۰۰ تومان

یادداشت اول

خواب سنگین توسعه سیاسی

با مسوولیت سردبیر

همیشه می شود شعارهای زیبا و رنگارنگ داد، همیشه می توان مدعی بود با برترین ها و بهترین ها هم طرازیم و ادعا کرد می توانیم در کسری از ثانیه فلان اتفاق را رقم بزنیم. همیشه می توان مدعی اقتصاد بدون تورم و گرانی بود و همیشه می توان در همه بخش ها و لایه ها حرفهایی محیر العقول زد اما هر وقت توانستید به مخاطبان و شهروندان بگویید با کدام روش می توانید این شعارها و برنامه ها را به سامان برسانید آنگاه باید درباره عملکردها و نتایج داده ها به قضاوت نشست. برای نمونه، نگاهی به عملکرد مدیران ارشد سیاسی دولت در استان گلستان را می توان شاهد مثال آورد در حالی که چند ماه دیگر انتخابات مجلس شورای اسلامی در پیش است و همگان از حساسیت و اهمیت آن آگاهند اما احزاب، گروهها، نهادهای سیاسی و مدیریت های سیاسی در استان چنان در خواب سنگین فرو رفته اند که گویی قرار است کسان دیگری در انتخابات شرکت کنند و یا انتخابات را برگزار کنند. خانه احزاب که مکانی برای گفت و گو و فضایی برای تبادل دیدگاهها و هم فکری گروههای سیاسی بود، به خاطر بی توجهی به محقق رفته است و ماههاست خبری از آن منتشر نمی شود. گروهها و احزاب سیاسی نیز گویا دیگر حال و حوصله ای برای هزینه دادن های بدون منفعت ندارند و مسوولان استان نیز تا به اکنون نمایی از برنامه های خود را در توسعه سیاسی به افکار عمومی اعلان نکرده اند تا بتوان بر اساس آن برنامه اداره توسعه سیاسی این دولت را در گلستان تحلیل کرد. بر این اساس باید در انتظار انتخاباتی با رقابت اقوام و مبتنی بر جغرافیای شهر و روستا و بالا محله ای و پایین محله ای، بدور از قواعد سیاسی داشت که کمکی به توسعه سیاسی نخواهد کرد. سیاست، اجتماع، فرهنگ به سان اقتصاد و پزشکی و دیگر رشته ها تخصص است و متخصص خود را می طلبد. بدون تخصص و برنامه ریزی کاری از پیش نخواهد برد.



کار آفرین گنبدی
باور خانه نشینی زنان را تغییر داد

« ۸ »



بوکسور گرگانی به اردوی
تیم ملی دعوت شد

« ۸ »



سینما

« ۵_۴ »

فرصت اندک پنبه کاران

باشند تا در کاشت و داشت بتوانند از محصول کاشته شده مراقبت نمایند. لازم به ذکر است شتاب در کشت های تابستانه پنبه خصوصاً همزمان با برداشت گندم یا کلزا توصیه شده است. مساله دیگری که باید صاحبان مزارع به آن توجه داشته باشند مراقبت از حریق در گندمزارهای خشک است. گندمزارهای اینک مستعد آتشند و با کمترین احتراق احتمال حریق هست، بنابراین توصیه می شود با انجام مراقبتهای لازم از خسارات احتمالی جلوگیری کنند و این در حالی است که با توجه به خشکسالی های سالهای متوالی و وضعیت آبهای زیرزمینی باید در یک بازگشت به سنت، دوباره گلستانی ها به کشت پنبه اهتمام نمایند. عمق ریشه های پنبه و تاثیر آن بر مواد آلی خاک، در کنار کمبود آب از دلایلی است که چنین رویکردی را ضروری می نماید. به هر حال آنچه مهم است آن است که کشاورزان پنبه کار این چند روز را از دست ندهند.

لیلی معتمد: بارش چند روز گذشته و رطوبت نسبی زمین باعث شده است تا اداره کل هواشناسی گلستان با توجه به آماده بودن مزارع برای فصل کاشت بهاره پنبه در این آخرین روزهای کشت به کشاورزان پنبه کار توصیه کند تا در کاشت این محصول شتاب کنند زیرا آب، خاک و هوا در خرداد ماه شرایط مناسبی برای کشت پنبه بهاره را فراهم آورده است. اداره کل هواشناسی در اطلاعیه ای به پنبه کاران توصیه کرده است: با کشاورزی حفاظتی شرایط بهتری را برای کاشت، داشت و برداشت فراهم بیاورند تا کیفیت عملکرد شرایط بهتری داشته باشد. در این باره باید گفت: همانگونه که کشاورزان می دانند مای بالای هوا به احتمال بسیار در مناطق جنوبی استان باعث تبخیر سریعتر رطوبت لایه سطحی خاک خواهد شد به این جهت باید با روش های مدرن آبیاری، رطوبت خاک را در اندازه مناسب حفظ کرد. کشاورزان هم چنین باید برای مصرف کودهای پایه، ضد عفونی کردن بذر، عمق مناسب کاشت بذر و بقیه امورات دقت لازم را داشته



یادداشت

"قضیه شکل اول، شکل دوم" یک سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، کارگردان خوش ذوق سینمای کشورمان "عباس کیارستمی" اولین فیلمش را به عنوان مستندی متفاوت، جلوی دوربین می برد. متفاوت از آن نوع که بعدها منجر به شاهکاری همچون "کلوز آپ" می شود. این مستند ابتدا برای رژیم شاهنشاهی تدارک دیده شده بود که بعد از انقلاب، با ایجاد تغییراتی در آن، برای جمهوری اسلامی نوپا ساخته شد، اما بلافاصله بعد از اکران در جشنواره، به دلیل تغییرات مداوم بدنه جمهوری اسلامی در سال های نخستینش، با توقیف مواجه شد. در این فیلم قضیه ای با دو روایت به تصویر کشیده می شود و هر بار از شخصیت های بنام زمان وقت، پرسشی پرسیده می شود، که نظرشان را در مورد هر روایت به اختصار توضیح بدهند. مصاحبه شوندگان در این مستند عبارتند از:

کمال خرازی (متخصص تعلیم و تربیت) / ایرج جهانشاهی (کارشناس تعلیم و تربیت) / غلامحسین شکوهی (وزیر آموزش و پرورش وقت) / نادر ابراهیمی (نویسنده) / مسعود کیمیایی (فیلمساز) / عزت الله انتظامی (بازیگر تئاتر و سینما) / عبدالکریم لاهیجی (حقوق دان) / راب داوید شوفت (رهبر وقت کلیمیان ایران) / آرداک مانوکیان (رهبر مذهبی وقت ارامنه) / صادق قطب زاده (سرپرست وقت رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی) / محمود عنایت (نویسنده و روزنامه نگار) / ابراهیم یزدی (وزیر امور خارجه دولت موقت) / نورالدین کیانوری (دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده) / هدایت الله متین دفتری (بنیان گزار جبهه دموکرات ملی) / علی گلزاده غفوری (نماینده مجلس خبرگان) / صادق خلخالی (حاکم شرع دادگاه های انقلاب) / علی موسوی گرمارودی (شاعر) / احترام برومند و البته دو تن از والدین واقعی بچه ها و چندی دیگر.

البته قرار بر آن بوده که در آن سال های بدو انقلاب، اشخاصی چون محمود طالقانی و مهدی بازرگان و مسعود رجوی و احمد شاملو هم در مصاحبه شرکت کنند که یا با عدم پذیرفتن دعوت و یا ممنوعیت شخصیت ها، این امر میسر نشد.

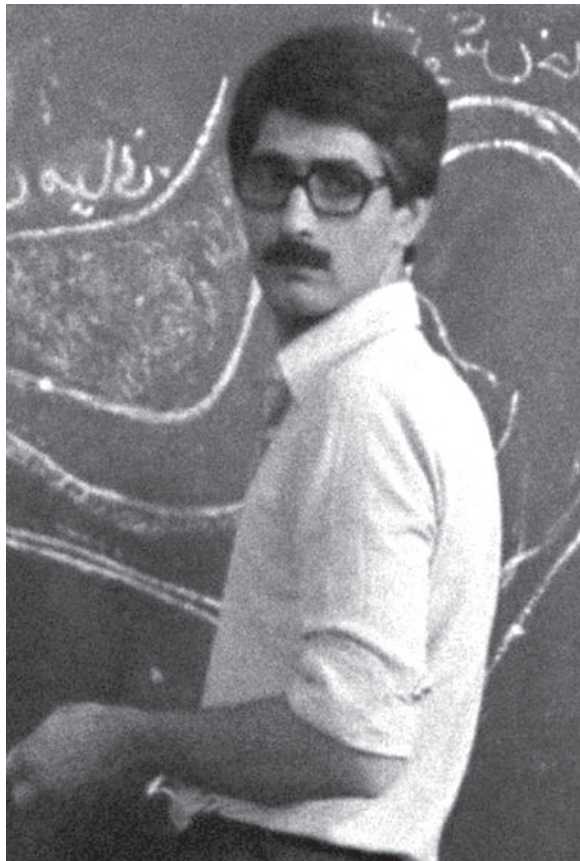
هر چه ساده تر
پیچیده تر!

علی درزی

هنر از هر نوعش در برزخ سوژه یابی اش برای هنرمند مشترک است. حالا می خواهد رقص باشد یا مجسمه سازی، نقاشی باشد یا سینما!

کیارستمی به کرات نشان داده که این کار را به خوبی بلد است. انتخاب سوژه ای ناب که احساسات انسانی را درگیر می کند. کیارستمی در مصاحبه ای می گوید: «هنر باید تفرقه انگیز باشد.» به همین جمله ایشان توجه کنید. یعنی سینما اگر چه وظیفه ای جز سرگرمی ندارد، ولی بعد از اتمام آن، اکران دوم فیلم می بایست شروع شود. منظور از تفرقه انگیزی همین است که در اکران دوم فیلم در ذهن مخاطب، فیلم ضربات مهلکش را به بلاهت روتین و روزمره انسان بزند و او را از نگاه سیستماتیک غالب جامعه برهاند. سرنوشتی که بعدها بر سر هر یک از این مصاحبه شوندگان آمده، خودش مشخص کننده این است که سوژه تا چه حد می تواند سیاست زده باشد، ولی نیست! چرا که کارگردان بر خلاف بسیاری از هنرمندان تئورسین و جانب دار (شما بخوانید چپ زده زمانه) عقب می ایستد و توپ را به زمین اقصای متفاوت جامعه ملتیب اجتماع می اندازد. اگر بخوایم در مورد نظر هر یک از مصاحبه شوندگان تاییدیه یا تکذیبیه ای صادر کنیم، این از بلاهت من است که من هم وارد بازی کارگردان شده ام. اما پوشش هنری فیلم چیست؟ سوژه یک موضوع کاملاً عادی است، مانند دو فیلم قبلی نقد شده مان یعنی "پذیرایی ساده" نیست. سوژه یک مفهوم غریب اجتماعی و فردی نیست، بلکه به اتفاقی ساده اشاره می کند که همه مان در طول مدرسه حداقل یک بار با همچین موضوعی مواجه شده ایم و همین موضوع ساده با نگاه های سیاست زده و تئوریک مصاحبه شوندگان به بحثی فلسفی و تفرقه انگیز تبدیل می شود. این فیلم پتانسیل این را دارد که هر چند سال یکبار دوباره و با شخصیت های جدید، از نو ساخته شود تا خیلی راحت حقایق پوچ بسیاری از نظریات انسان های نسیم زده را آشکار کند. در کتاب "تزار عشق و تکنو" یکی از شخصیت های داستانی، مسئول روتوش عکس

قضیه شکل اول



فقط بابای محمد رضا نعمتی



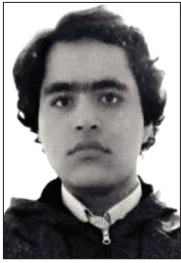
ماهور حاتمی

های رئیس حزب اتحاد جماهیر بود. عکس هایی که به نوبت، طی سالیان از کنار رهبر حزب حذف می شدند و در آخر او خودش در قابی تنها می ماند. اگر این مستند هم بخواید هر چند سال یکبار ساخته شود، پوسترش هر مرتبه به سمت یک نفر تقلیل خواهد رفت. کیارستمی بلد است که سوژه های نابش را به اضمحلال سوگیری سیاسی و اجتماعی و فرهنگی نکشانند، چرا که اهل بیان است، نه درمان. ابراز درد از درمانش خیلی مهمتر است، مخصوصاً اگر دردی باشد که مدام آن را تکذیب کنند. "موراکامی" در مصاحبه ای می گوید: «با اینکه کتاب تنها علاقه من در دوران مدرسه بود، اما همواره از مدرسه گریزان بودم و اگر در زمان حال زندگی می کردم، یقیناً ترک تحصیل می کردم.» موراکامی یکی از بزرگترین منتقدان نظام آموزش پرورش ژاپن قلمداد می شود. اگر بخوایم نظریه ای به نظریات مدعوین مستند اضافه کنم، آن نظر چیزی جز ترک تحصیل است. پدیده ای که بعد از کرونا در بین محصلین ما کاملاً اپیدمیک شده و آن قبح و ارزش گذشته اش ریخته. دیگر دانش آموز پنج روز پشت در معطل نمی ماند که وفاداری یا خیانتش مورد آزمون قرار بگیرد، بلکه دیگر مدرسه نمی رود. چیزی که در این فیلم یک جبر محتوم فرض می شود، مدرسه است، سواد است، چیزی که آرزو و آمال والدین کارگر و بی سواد است، مدخلی که تنها راه رسیدن به مدینه فاضله ذهنی آن هاست. اما این روزها مانند ژاپن مدرن موراکامی، بچه ها خیلی راحت تر ترک تحصیل را انتخاب می کنند. جنبه دیگر مستند، بیان قبح و ردالت به حق رفتار ساواک است. اشخاص در مستند با چنان اطمینانی از تفتیش عقاید حرف می زند که اگر ما از چهل سال بعد آگاه نبودیم، یقیناً سینه دریده عاشقش می شدیم. اگر از هر استخدام دولتی که صورت می گیرد، یک دوربین کنار مصاحبه کننده و شنونده بگذاریم، به زوایای بارز تفتیش عقاید پی می بریم. تفکر ساواک چه بود؟ زن و شوهر در نهان خانه نمی توانستند راحت با هم صحبت کنند، از ترس موش داشتن دیوار و گوش داشتن موش! این امر با صراحت و غرور مصاحبه شوندگان (نماینندگان شرع) تقبیح می شود. البته که نیازی به ساختن دوباره این مستند نیست، اگر مخاطب دارای آگاهی فرا محیطی باشد، با همین فیلم، که مطلب را می گیرد و اگر انسانی تحت تاثیر باشد، نور آفتاب را هم مدیون ماه می داند.

زنه یاد عباس کیارستمی در بحبوحه انقلاب، مستندی را با موضوع خیانت و وفاداری جلو دوربین می برد. مستند مشارکتی با نظرگاه رئال آموزشی و کاراکترهای متعدد. فیلم نامه مستند از این قرار نوشته شده ست که یک کلاس درس کسل کننده، توسط یک دانش آموز، با ایجاد صدای مزاحم و البته ریتمیک دچار آشفتگی می شود. آموزگار که نمی تواند جو کلاس را کنترل کند به جهت صدا و منبع صوت توجه می کند و حدود تقریبی صدا را تشخیص داده و برای خلاصی از موقعیت، تعدادی از بچه ها را از کلاس بیرون می کند و شرط بر این می گذارد اگر آن چند نفر، دانش آموز خطا کار را لو بدهند به کلاس بر می گردند در غیر این صورت یک هفته از نشستن سر کلاس درس محروم می شوند. یعنی یک عده دانش آموز زیر پانزده سال باید بین سر کلاس ماندن و استفاده از آموزش که حق مسلم آنهاست و لو دادن همکلاسی

یک صدا، چند صدا

محمد صالح فصیحی - قضیه شکل اول شکل دوم، از اولین فیلمهای کیارستمی است. فیلم، به نوعی فیلم در بینیم و فیلم دیگر فیلمی است که از افراد مصاحبه می شود. می توان اولی را یک داستان، موقعیت یا قضیه نامید و دومی را مصاحبه یا مستند. چیزی که باعث می شود فیلم در میانه مستند-داستانی قرار بگیرد. چراکه نه مستندش مثل مستندهای مرسوم است و نه داستانش به داستان بودن رسیده است. صرف چند صحنه از یک



سو و از سمت مستند-مصاحبه نیز، انبوهی از نقطه نظرات است که نمایش داده می شود. آنچه شاید در نظرات افراد موثرست، اینست که زمان ساخت فیلم، چه موقعی است و این زمانمندی چه اثری می گذارد بر نوع تفکر افراد و پارامترهای محیطی-اجتماعی چگونه در ساخت ساختار ذهنی افراد دخیلند. این امر را نه تنها در این فیلم بلکه در موارد دیگر نیز می توانید ببینید. مثلاً نادر ابراهیمی که از مصاحبه شوندهگان است، در همان زمانها داستانهای کوتاهی دارد که گرچه عنصر واقعی زمان را، به شکل تاریخمند در آن حذف کرده، اما اثر زمان زیست نویسنده، در زمان زیستی اشخاص داستان تاثیر گذاشته و شده منفوری آمریکا، به عنوان قطب منفی و شر. چنانکه در زمان انقلاب همچو چیزی بوده و بعدش هم با همان شور ادامه داشته. این امر چیزی است که از زبان بسیاری از مصاحبه شوندهگان گفته می شود. بسیار، نه همه شان. که مقاومت ارزشمندست و صحیح و خوب. به نظرم امری که در عین حال هم ارزشمند است و هم زیر سوال می رود، نقطه نظر افراد است در فیلم. یعنی از یک سو، تعدد افراد باعث می شود که ما یک مسئله را از زوایای گوناگون ببینیم و بسنجیم و هم به شکلی گفته می شود که ما خودمان هم به عنوان سوژه تفکر، مشغول شویم به تفکر و تفهم. منتهی از سوی دیگر، شباهت نظرات افراد به هم، تعدد افراد را مساوی کرده به حشو و تشبه، به یکسانی و همگونی. اما اگر کیارستمی، حتی یک درصد، در شکل اول و شکل دوم، دست می زند در آن زمان به تعدد نظرات و دیدگاه ها، خود فیلمش پخش و اکران نمی شود و ممنوع می شود با دستی تک صدا. دستی که نمی توان دستهای دیگر را ببیند. چرا؟

قضیه شکل اول
شکل اول شکل اول

علی شائفی - نقد فنی برای سینمای کیارستمی معنایی ندارد. کیارستمی بیشتر از یک مولف، خود نیز یک مخاطب است. مخاطبی که یک دوربین برای ثبت مشاهدات خودش دارد. این فیلم من جمله تجربه هایی از کیارستمی است که مخاطب را به میان چیزی به ظاهر معمولی پرتاب می کند اما می توان بی شمار از آن تحلیل های ضمنی بی سر و ته درآورد. چون کیارستمی دوربین را به میان جامعه ای می برد که خود نیز از آن درکی ندارد اما می داند که



ضبط کردن آن میراثی برای همین تحلیل های ضمنی بی سر و ته است. خروجی های یک جامعه ارتباط مستقیمی با شرایط ایجاد کننده ورودی آن دارد نه صرف وجود ورودی های آن. تحت تاثیر شرایط انقلاب حتما اتحاد و همبستگی چیز بسیار مهمی برای روشنفکران یک جامعه است اما نقش تمایلات فرد گرایانه ما به عنوان توده جامعه چیست؟ این افسانه فردگرایی ما را به کجا هدایت خواهد کرد؟ فردگرایی حتی می تواند منجر به کژفهمی شود. کژفهمی که به ما درکی از مسئله ای به اسم اتحاد ندهد و دائماً با خود تکرار می کنیم که: بچه من درسخوان است، نه اینکار او نمی تواند باشد. بدون اینکه حتی مفهوم سوال را متوجه باشیم. فلج شدن ذهن ناشی از همین کژفهمی ها است. کژفهمی که هم می تواند از فردگرایی بزدلانه هم از اتحاد کورکورانه متولد شود. این فیلم بیشتر از هر چیزی نشان می دهد که رابطه بین انسانها بیشتر از هر چیزی زد و بند است. چه در یک رابطه دو نفره تا روابطی در مقیاس کلان. پدر کار می کند و از بچه اش توقع تحصیل دارد. دولت مرد، آموزش و پرورش تشکیل می دهد و انتظار دارد خروجی آن ابزاری برای دولت باشد و روشنفکر انتظار دارد دانش آموز به زیر میز بزند و هیچکدام از این ها را هم نمی داند به احتمال زیاد هم برای قبیله گرایی و تکثیر خودشان. کیارستمی دوربین را نه در مدرسه بلکه در قلب جامعه ای متلاطم و آشفته می گذارد که این تلاطم و آشفتنگی هنوز هم حس می شود.

ل، شکل دوم



دوم، کاملاً آگاهانه با رویکردی چالشی، توسط فیلمساز ساخته شده است. از نظر من مخاطب، می شد برای این موضوع شکل سوم هم در نظر گرفت. اینکه دانش آموز خاطی، خودش را معرفی کند و تمام گروه طرد شده را از تنبیه رها سازد. آری، آقای محمدرضا نعمتی می توانست خودش را معرفی کند و وفاداری و حمایت خود را از دوستان و همکلاسی هایش ثابت کند. همان دانش آموزی که پدرش به کرات عقیده داشت پسرش چنین خطایی نمی کند و او جزو درسخوان های کلاس ست. پدری که با عدم درک مفهوم پرسش کارگردان، همچنان حرف خود را که بسیار متعصبانه به نظر می رسید تکرار می کرد. "محمد رضا درسخونه و اینکه این کارو کرده باشه نه نکرده..."

چالش پیش روی شخصیت ها فقط یک جنبه برای تایید یا رد نتیجه انتخاب نبود بلکه نگاه و نگرش پدر دانش آموزان را هم نسبت به فرزندشان در مقام ولی به چالش و تلاطم کشید. نکته ای که برای من جای تامل داشت این بود؛ پدرانی که به سختی و زحمت شرایط تحصیل فرزندشان را فراهم کرده بودند به اتفاق معتقد بودند که چون نانی که در می آورند حلال است پس انتظاری جز درس خواندن از بچه هایشان ندارند، نه بی نظمی کنند نه در گروه و دسته ای به حمایت از همگروه های خود بپردازند. و این گونه رفتار در کلاس درس از طرف فرزندانشان نشانه ناسپاسی آنها در مقابل زحمت والدین ست. این ها انتظار داشتند فرزندشان با گروه طرد شده همراهی نکند و فرد خطا کار را لو بدهند. این نظر را برخی از نمایندگان دینی هم داشتند. عده ای هم باورشان این بود که وفاداری یک ارزش ست. حالا در هر جبهه و دسته که باشیم باید به اعضاء گروهمان وفادار باشیم. مستند شکل اول شکل دوم، رسالت خویش را، فارغ از پرداختن به عناصر سینمایی، انجام داده ست و به عقیده ام آن قلاب، که به هر سو می کشاند را در ذهن مخاطب فرو کرده ست. به نظرم پس از اتمام زمان روایت تصویری این مستند، همه، جز پدر محمد رضا نعمتی که در انتهای مستند، در مواجهه با دانش آموز خاطی بسیار جا خورده و ممکن ست نظر اولیه خودش را تغییر داده باشد، باقی نظرات؛ هویت خود را حفظ کرده اند.

بی نظم خود، که به نوعی ضد ارزش اخلاقی ست، یک گزینه را انتخاب کنند. از طرفی کیارستمی افرادی سرشناس و صاحب منصب را برگزیده تا در مورد نتیجه انتخاب دانش آموزان نظر شخصی خود را بر اساس تحصیلات، جایگاه و ایدئولوژی خود بدهند. کیارستمی در مقام کارگردان و نویسنده، دو موقعیت را برای این وضعیت طراحی می کند. وضعیت اول چند روز پس از اخراج موقتی دانش آموزان، یکی از آنها وارد کلاس می شود و نام دانش آموز خاطی را گفته و می رود سر جایش ته کلاس، تک و تنها و البته معذب می نشیند. در ادامه افراد منتخب که شامل اولیای همان چند دانش آموزها و از جمله زنده یاد عزت الله انتظامی، صادق قطب زاده، صادق خلخالی، مسعود کیمیایی، ابراهیم یزدی، ژاله سرشار... و در مجموع چند شخصیت برجسته دینی، نمایندگان و کارکنان کانون فکری کودک و نوجوان، وزیر امور خارجه، رئیس آموزش و پرورش وقت و ... هستند را می نشاند جلوی دوربین و درباره موقعیت پیش آمده و وضعیت اول نظر سنجی می کند. در وضعیت دوم همان دانش آموزان، سکوت و حلقه وفاداری را حفظ می کنند و بعد از تحمل یک هفته تنبیه وارد کلاس می شوند. در وضعیت دوم هم افراد منتخب، که قطعاً نظرات مخالف و موافق و متفاوتی دارند به مشاوره می نشینند. کارگردان مستند قضیه شکل اول، شکل دوم در نهایت زیرکی و بسیار آرام و با طمأنینه، با طرح سوال اینکه آیا رفتار نوجوانان صحیح بوده یا خیر؟ قلاب را می چرخاند و کاراکتر و مخاطب را هم از درگیر پرسشی میکند که تا مدتها، حتا پس از پایان زمان روایت، ذهن مخاطب و انجمن مورد شور را درگیر می کند. قلاب ما را دنبال خود می کشاند. گاهی آثاری نوشته و ساخته می شود که نتیجه دور از ذهن سازنده می شود، برداشت ها به قدری متفاوت و گوناگون است که خود سازنده هم از آراء و نظرات مخاطبین شگفت زده می شود. اما مستند شکل اول شکل

کار آفرین گنبدی

باور خانه نشینی زنان را تغییر داد

مطابق داده‌های جهاد کشاورزی گلستان، در بخش کشاورزی این خطه ۲۲۰ هزار خانوار بهره‌بردار فعالیت دارند



پوران خوش قلب بانوی گنبدی است که بدون توجه به باور خیلی‌ها مبنی بر فعالیت صرف بانوان در منزل به فعالیت در حوزه تولید میوه خشک و دمنوش و فرآورده‌های مرتبط پرداخت و با همراهی تعدادی از بانوان روستایی به کار آفرین و صادرکننده موفق کشور تبدیل شد. به گزارش ایرنا، بانوان توانمند بسیاری به مانند خانم خوش قلب در سطح کشور و گلستان وجود دارند که با پذیرفتن تفکراتی که بانوان را فقط محدود به آشپزی، خانه‌داری و خیاطی می‌کند، به عنوان کار آفرین موفق علاوه بر تامین بازار داخلی بخشی از تولیدات خود را به دیگر نقاط دنیا از جمله روسیه، فنلاند، اسپانیا، قزاقستان، امارات و عمان صادر می‌کند. کارخانه فرآوری و بسته بندی میوه خشک، لواشک، سبزیجات و صیفی جات خانم خوش قلب سالانه حدود ۱۰۰ تن محصول وارد بازار می‌کند که میانگین هشت تا ۱۰ تن آن به صورت بسته بندی و فله‌ای به کشورهای دیگر صادر می‌شود و بر اساس میزان میوه موجود و تقاضا حدود ۲۰ تا ۶۰ نفر از بانوان در این واحد مشغول به کار هستند. وجود بانوان موفق به مانند خانم خوش قلب و لزوم معرفی آنان به عنوان الگو برای دیگر دختران و زنان با استعداد، خبرنگار ایرنا را بر آن داشت تا با حضور در شهرک صنعتی آقچلی دقایقی را به گفت و گوی دوستانه با وی بنشیند. خانم خوش قلب متولد سال ۱۳۴۳ است. سال‌های اول زندگی مشترک خود را به تربیت سه فرزندش اختصاص داد اما با توجه به علاقه زیاد برای حضور در اجتماع و فعالیت‌های اقتصادی بعد از اینکه به اصلاح خودش «پیچه‌ها از آب و گل درآمدند» با گرفتن مدرک لیسانس بازرگانی سال ۱۳۸۲ با همراهی تعدادی از خانم‌ها شرکت تعاونی با محوریت تولید قارچ خوراکی را تأسیس کرد. اطرافیان می‌گفتند: بهترین کار برای یک زن خیاطی و دوخت لباس و پرده است، اما می‌گوید: احساس من این بود که توانایی انجام کارهایی بیشتر از این را دارم و بعد از تأسیس شرکت تعاونی با اجاره یک سوله ۱۰۰ متری با همکاری ۲ خانم دیگر تولید قارچ خوراکی (صدفی) را آغاز کردم. در آن سال‌ها مردم منطقه شناخت زیادی از قارچ و خواص آن نداشتند و پیش بینی‌هایم برای بازار مصرف آن‌گونه که باید محقق نشد لذا بعد از سه سال فعالیت در این حوزه با بررسی بازار هدف به فکر تأسیس کارخانه‌ای با موضوع شستشو و بسته بندی سبزی‌های تازه و خشک افتادم. بعد از گرفتن مجوزهای لازم یک زمین ۲ هزار متر مربعی در شهرک صنعتی آقچلی خریداری و ساخت کارخانه خود را با هزار و ۳۰۰ متر مربع زیربنا آغاز کردم و از سال ۱۳۸۵ به طور رسمی با سرمایه شخصی و تسهیلات بانکی و خریداری دستگاه‌های مورد نیاز فعالیت این واحد با اشتغالزایی برای هفت خانم آغاز شد. برداشت میوه در طول سال بر اساس فصل از جمله مزیت‌های شاخص استان گلستان است و با

بررسی باغ‌های میوه منطقه و بازار هدف با گذشت حدود یک سال از فعالیت کارخانه بسته بندی سبزی با همراهی همسرم تصمیم به راه اندازی خط تولید و بسته بندی میوه خشک گرفتم و شروع کارم با پوست کنی و خشک کردن باقلا و نخود فرنگی با رویکرد کار آفرینی در جامعه روستایی بود. باقلا و نخود فرنگی‌های خریداری شده را با تعیین کردن یک نماینده میان تعدادی از خانوارها در روستای آقچلی و نگین شهر توزیع و بعد از مرحله اول پوست کنی تحویل گرفته و ادامه فرآیند تا مرحله بسته بندی در ۲ شیفت کاری با همکاری بیش از ۱۲ نفر نیروی خانم در کارخانه انجام و محصول نهایی به رستوران‌ها و فروشگاه‌های مشهد و تهران ارسال می‌شود. میوه‌ها به جز تعداد انگشت شماری قابل نگهداری نیستند و باغداران ناگزیر به فروش محصولات خود با قیمتی نازل به واسطه‌های غیر سالم هستند در چنین مواردی کارخانه ما با قیمت منصفانه محصول آنها را خریداری و فرآوری می‌کند. خانم خوش قلب به عنوان عضو هیات مدیره کانون زنان بازرگان گلستان گفت: در ۲۰ روز کاری در فصل بهار به طور میانگین ۳۰ تا ۴۰ تن از این محصول پوست کنی، خشک و بسته بندی می‌شود در ادامه در فصول دیگر سال با انجام مراحل دانه‌گیری، برش و خشک کردن سایر میوه‌ها از جمله توت فرنگی، آلو، هلو، سیب، پرتقال و نارنگی و حتی کدو و بادمجان و پیاز، محصول تولیدی در سراسر ایران در حال عرضه است و مقداری از میوه‌ها را هم به لواشک و دمنوش تبدیل می‌کنیم. وی با اشاره به اینکه با رونق فعالیت از سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۰ صادرات بخشی از محصولات تولید خود را به صورت فله‌ای و بسته بندی به کشور روسیه آغاز کردیم، افزود: در بحث صادرات مهمترین عناصر مورد توجه برای خریداران وجود سم کمتر و درشت بودن بار است لذا آزمایشگاه سنجش میزان سموم مورد استفاده در محصولات در محل این کارخانه فعال شد و اولویت خود را خرید محصول باغ‌هایی قرار دادیم که کمترین سم را استفاده

بوکسور گرگانی به اردوی تیم ملی دعوت شد



رئیس هیئت بوکس گلستان از حضور مشتزن گرگانی در اولین مرحله اردوی آماده سازی تیم ملی بوکس جوانان برای مسابقات آسیایی قزاقستان خبر داد. به گزارش روابط عمومی، علی بیانی اظهار کرد: علی علی اکبری از گرگان در وزن ۹۲ کیلوگرم برای شرکت در مسابقات قهرمانی آسیا ۲۰۲۳ قزاقستان به اردوی آماده سازی تیم ملی دعوت شده است. رئیس هیئت بوکس گلستان افزود: این اردو با حضور ۲۲ بوکسور آغاز شده و تا ۱۶ خرداد ادامه دارد. بیانی افزود: در حال حاضر افزون بر هزار ورزشکار در رده‌های سنی مختلف در گرگان، گنبد کاووس، کلاله، آزادشهر، علی آبادکتول، رامیان، گالیکش، بندر ترکمن، بندرگز، گمیشان، کردکوی و جلیان مشغول تمرین در رشته بوکس هستند.

«»

۲۰ کاروان از فرودگاه گرگان به سرزمین وحی اعزام می‌شوند

مدیرکل فرودگاه های استان گلستان گفت: امسال دو هزار و ۹۳۴ زائر خانه خدا طی هفت روز در قالب ۲۰ کاروان از گلستان به سرزمین وحی اعزام می‌شوند. به گزارش روابط عمومی، علی متانت اظهار کرد: زیرساخت‌های لازم در فرودگاه گرگان برای رفاه هرچه بیشتر زائران خانه خدا فراهم شده است. مدیرکل فرودگاه‌های استان گلستان با بیان اینکه نقاط قوت و ضعف عملیات اعزام حج سال‌های اخیر بررسی شده است، عنوان کرد: با اعلام سازمان حج و زیارت در خصوص عملیات حج سال ۱۴۰۲، جلسات متعددی با ارگان‌های اجرایی و مسئول این عملیات مهم انجام شد و در همین راستا تلاش می‌شود تا بهترین اعزام را در سال جاری از فرودگاه گرگان شاهد باشیم. وی گفت: همه کاروان‌های استان گلستان مدینه بعد هستند و تاریخ اعزام آنها هم از ۲۶ خرداد لغایت یک تیرماه است.

